



سرپرست خالد حاج محمدی

۱۳۶ شماره ۱۳۹ - ۱۶ مارس ۲۰۱۳

حزب کمونیست کارگری - حکمت

خالد حاج محمدی

مصوبه شورای عالی کار
را نباید پذیرفت!

عاقبت شورای عالی کار، بدنیاال چند نشست، روز چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۰ برابر با ۱۴ مارس ۲۰۱۲ با شرکت نمایندگان کارفرمایان، دولت و شوراهای اسلامی کار، میزان دستمزد سال ۹۱ را تعیین کرد. بر اساس مصوبه آنها ۳۸۹ هزار و ۷۵۴ تومان را به عنوان دستمزد سال ۹۱ اعلام شد.

این خبر بدون تردید مایه تعجب کسی نیست، از شورای عالی کار انتظاری دیگری نمیرفت. قرار نبود نمایندگان دولت و کارفرما و پادوهای آنها در شوراهای اسلامی که به نام نماینده کارگر در این اجلاس تشریف داشتند، تصمیم دیگری بگیرند. رسالت و وظیفه تمام این نهادهای ضدکارگری همین است. کل داستان این بود که در نمایشی فریبنده دور هم جمع شوند، نتیجه کار گروههای کاری و کمیته های کذابی خود برای تعیین "میزان نیاز" خانواده کارگری را به عنوان پیش پرده تصمیم ضد انسانی و ضد کارگری خود به نام قانون به جامعه اعلام کنند. جلسات مکرر **ص ۲**

قربانیان جنون پنتاگون

اعلامیه حزب حکمتیست

بی پرسش، و با اثبات تهنی شدن از احساس انسانی، سازمان یافته است. معلوم نیست سربازان آمریکائی "بیمار و روانی" چرا لوله تفنگ خود را معمولاً به روی مردم بیگناه در عراق و افغانستان و هر کشوری که به آنجا اعزام شده اند، میگیرند! معلوم نیست این عناصر بیمار، چرا بجای رفتن به روستائی در فاصله ۵ کیلومتر دور تر از مرکز نظامی خود و بجای گشتن خانه به خانه بدنیاال مردم و کشتار آنها، لوله تفنگ خود را به سمت نیروهای خودی نمی گیرند و شلیک نمیکنند؟ چرا این عناصر هنگامی که مغزشان آسیب میبیند، نیمه شب و با زور اسلحه به همراهان خود حمله نمیکنند؟ جائی را منفجر و دست و پا و سر کسی را در صف نیروهای ناتو نمیبرند؟ سرباز مربوطه ممکن است مغز معیوبی داشته باشد یا نداشته باشد. **ص ۳**

مقامات آمریکائی اعلام "دمکراسی" و "صلح" و کرده اند که: سربازی که "حقوق بشر"، که برای این جنایت را خلق کرده جنایت و قساوت و کشتار است، "احتمالاً دچار نوعی و خونریزی اجیر شده و اختلال روانی بوده و آموزش دیده است، را بزرگ مغزش در سال ۲۰۱۰ کنند! تا سیمای ارتشی که میلادی در جنگ عراق آسیب دیده است." همگی متعهد شده اند که او را ایدئولوژیکی، تعقل و محاکمه و "این پرونده" را پیگیری خواهند کرد. ریاکاری، وقاحت، و توجیهات بیشرمانه مقامات آمریکایی و ناتو، جهانی را حیرت زده کرده است. قرار است با قربانی کردن اسمی یا رسمی سرباز مربوطه، و منتسب کردن این قتل عام به احوالات "روانی فردی" او، بر پرونده جنایات ارتش و آمریکا و ناتو در سراسر جهان، پرده ساتر بکشند. تا چهره ارتشی که نه برای "دفاع" و "امنیت" و بعداز شروع اعتراضات همانطوریکه امروزه کاشمکش را میدهد، اما ضد رژیم در سوریه به شاهدیم، با تلویز کردن فاصله نه چندان زیادی، با صحنه های خونین، ضرورت دخالت نظامی برای "جلوگیری" از ادامه کشتار مردم در ذهن "رهبری انقلاب" به جامعه بینندگان جهانی زمینه سازی میشود. صرفنظر از سپس به تدریج نیروهای اینکته تناسب قوای جهانی مرتجعی برای تسلیح آماده و فاز تقابل توده ای به تقابل نظامی کشیده شد. سپس دخالته نظامی در این

بامداد روز یکشنبه ۲۱ اسفند، ۱۱ مارس، یک سرباز آمریکائی از پایگاه خود در قندهار خارج شد و در روستای "الکوزای"، خانه به خانه به شکار بی پناه ترین مردم بی دفاع پرداخت و در کمال بی رحمی و قساوت ۱۶ نفر و از جمله ۹ کودک را، قتل عام کرد.

متعاقباً و بلافاصله نیروهای طالبان تهدید کردند که در مقابل این کشتار، سر سربازان آمریکائی را از تن جدا خواهند کرد! پارلمان و رئیس جمهور افغانستان نیز در اعتراض خواهان محاکمه مسبب کشتار مردم در افغانستان شده اند. و بالاخره دولت آمریکا، سران ناتو، و وزیر دفاع آمریکا، از این ماجرا "اظهار تاسف" کرده اند! همگی اعدام دستجمعی مردم بیگناه و از جمله کودکان، را اقدامی "فردی" و "خارج از موازین کار" نیروهای ناتو، خواندند!

اطلاع یابانی گنگره پنجم حزب کمونیست کارگری عراق

محمد فتاحی

دو جبهه ارتجاع در سوریه

و درسی که طبقه کارگر ایران باید بگیرد!

آنچه که امروز در سوریه بعداز شروع اعتراضات همانطوریکه امروزه کاشمکش را میدهد، اما میگذرد، برعکس چرندیاتی که نیروهای بورژوازی و چپ ضدرژیمی پروغرب نقشه آمریکا و ناتو یک بدیل مرتجع تر از رژیم بشار اسد به عنوان "رهبری انقلاب" به جامعه اعلام شد. سبب به تدریج نیروهای مرتجعی برای تسلیح آماده و فاز تقابل توده ای به تقابل نظامی کشیده شد. سپس دخالته نظامی در این

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مصوبه شورای عالی کار...

همه مصائبی است که با این مصوبه باید متحمل شود. کارگر باید جان بکند، دوندگی کند، روح و جان و جسم خود را به حراج بگذارد تا همین سطح زندگی بردگی خود را حفظ کند. در این میدان هر کس لب به اعتراض گشوده است و هر جا که جرات و جسارتش را داشته اند، کارگر معترض و آگاه را روانه زندان کرده اند، آنها را زنجیر کرده به تماشا گذاشته اند تا به کل طبقه کارگر درس عبرتی بدهند و چند میلیون انسان کارکن را راضی و ساکت نگهدارند و امکان تامین سود بیشتر برای سرمایه داران را مهیا کنند. در این میدان هر چند گاهی خانه کارگرها و شوراها اسلامی و مجلس نشینان و روشنفکران مزد بگیر آنها، این نمایندگان بورژوازی، به نام کارگر و "دفاع از طبقه کارگر"، به حال بخشی از سرمایه که توان رقابت ندارد و در مقابل بخشهای بزرگتر و قویتر دوام نمی آورند، دل میسوزانند و از کارگران میخواهند جهت حفظ شغل خود و عدم ریزش نیروی کار، باز هم بیشتر جان بکنند. با دامن زدن به این توهم که با بهبود موقعیت سرمایه دار، چیزی به کارگر هم میرسد، تلاش میکنند اعتراض کارگر به وضعیت نابسامان خود، اعتراض به تحمیل فقر و بیکاری را به اعتراض بخشی از بورژوازی

طبقه کارگر و باز تولید نیروی کار جهت تولید ارزش اضافه و تامین سود، در نظر گرفته و تعیین میشود. ظاهراً چرتکه اندازیهای مقامات شورای عالی کار در تعیین میزان استثمار بخش اعظم جامعه و نیاز سیری ناپذیر طبقه حاکم، حکم میکند که کارگر ایرانی دوبرابر پائینتر از خط فقر اعلام شده خودشان، درآمد داشته باشد. تازه باید در نظر داشت که همین مصوبه سرمایه داران التزامی به اجرا برای میلیونها کارگر در کارگاههای کوچک را ندارد. باید در نظر داشت که بخش اعظم طبقه کارگر که به صورت قراردادی کار میکنند، از همین سطح از "رفاه" هم برخوردار نخواهند شد. باید ارقام نجومی بیکاری و نداشتن بیمه بیکاری را نیز در نظر گرفت تا ابعاد فقری که به طبقه کارگر تحمیل میشود را دریافت. باید موقعیت چند میلیون کارگر افغانی را در نظر داشت که به جرم محل تولدشان از همین دستمزد کدانی هم بی بهره اند. مصوبه شورای عالی کار در حقیقت اعلام جنگی طبقاتی تمام عیار بورژوازی ایران به طبقه کارگر و تلاش برای عقب راندن زندگی کارگر به نازلترین سطح ممکن است. تلاش جنایتکارانه برای به استیصال کشاندن کل این طبقه و تسلیم و رضایت و سکوت در مقابل

و مباحثات این جمع و غرولندهای شوراها اسلامی و خانه کارگرهای آنها، صحبت از نیاز خانواده کارگری و خواست چند درصد کمتر و بیشتر، تا جائیکه به طبقه کارگر ایران برگردد، نمایشی مشتمل کننده از جانب جناحها و بخشهای مختلف بورژوازی ایران و دولتشان، برای رسمیت دادن به محرومیت بیشتر این طبقه و تلاش برای پائین نگهداشتن سهم کارگر از ثروتی بود که خود تولید میکند.

در جامعه ای که ابعاد گرانی بیداد میکند و تورم هر روز بالا میرود، فهم زیادی نمیخواهد تا تشخیص داد که خط فقر چقدر است و میزان نیاز یک خانواده کارگری برای زندگی انسانی و قابل تحمل چه میزان باید باشد. حتی مقامات و گردانندگان جمهوری اسلامی و آمارگیران موجب بگیر و کارتنتی شان، به کرات اعلام کرده اند که خط فقر بسیار بالاتر از یک میلیون تومان است. تازه این میزان، نه بر مبنای حقایق و نیازهای بشر در قرن ۲۱ و احتیاج انسان و امکانات امروز برای سعادت انسان، بلکه بر مبنای تصمیمات خود دولت و تعیین حداقلی است که در یک نظام ضد کارگری و جنایتکارانه بورژوازی، برای تضمین استمرار استثمار کل

نو جبهه ارتجاع در سوریه...

پیشرفت در بقیه کشورهای منطقه یک سیاست رسمی منطقه ای شده است. از شانس بد غرب اما ایران نه لیبی است و نه بحرین و یمن و سوریه. اینجا جامعه با یک طبقه کارگر بسیار قدرتمند در مراکز صنعتی روبروست که تا این لحظه بدون استثنا برای هیچ یک از طرح های جبهه غرب تره خرد نکرده است. مسئله این است که طبقه کارگر ایران و رهبران کمونیست آن نمیتوانند و نباید بیش از این نظاره گر تقابلات بورژوازی غرب و جناح های بورژوازی ایران بمانند. در جریان انقلاب مصر حضور طبقه کارگر قدرتمند موجبات ادامه انقلاب به نفع خود را تا این لحظه تامین کرده است. اما طبقه کارگر در ایران نمیتواند به موقعیت طبقه کارگر مصر در انقلاب آن رضایت دهد. جامعه ایران تحولات مشابه مصر را بیش از سی سال قبل پشت سر گذاشته است. در متن انقلاب پنجاه و هفت طبقه کارگر حضور قدرتمندی

سپردند. در سوریه که رژیم هم پیمان جمهوری اسلامی و بلوک روسیه و چین سر کار است، الترناتیو سیاسی نظامی خود را شکل داده اند. و ظاهراً امروز مردم از ادیخواه سوریه باید بین دو ارتجاع باید به یکی تمکین کنند. بورژوازی غرب در سی سال گذشته در ایران با حکومتی یاغی از غرب روبرو بوده است. ایران به دلایل متعدد جایگاه ویژه ای در تقسیم قدرت منطقه ای و جهانی دارد. به همین دلیل در کل این سی سال تقابل با حکومت اسلامی یک مشغله مداوم غرب و بویژه آمریکا بوده است. پروژه های غرب از کودتا در روزهای بعد از قدرتگیری جمهوری اسلامی تا نقشه حمله نظامی و رژیم پنج و تا اصلاحات از درون به نوبت جای خود را به دیگری داده اند. امروز با پیشرفت هایی که جبهه غرب در کل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا کسب کرده است، تقلا برای انسجام جبهه هوادار خود در ایران به موازات

بورژوازی غرب بعد از غافلگیر شدن در جریان انقلابات تونس و بویژه مصر بطور طبیعی نگران رشد و سرایت آنها در دیگر مناطق جهان شد. به همین دلیل به سرعت نقشه فکر شده ای برای اعمال کنترل خود بر ادامه تحولات را کشیده و به اجرا گذاشتند، در لیبی ادامه تحركات اعتراضی مردم به سرعت صاحب یک شورای رهبری متشکل از مرتجعترین های رقیب فدایی شد. و با وارد کردن آن به فاز نظامی زمینه های دخالت نظامی فراهم گردید. در جایی مانند بحرین برای بقای حکومت هوادار خود از نیروهای عربستان سعودی برای سرکوب تحركات آن کشور استفاده کردند. برای یمن هم که دولت پرو غرب سر کار بود، پشت آنرا گرفتند تا بدیل مناسب خود را شکل داده و در پروسه ای قدرت را به اصطلاح قانوناً به رئیس جمهور دیگری به جای علی عبدالله صالح

داشت اما دقیقاً مانند امروز مصر در غیبت یک صف سوسیالیست و متشکل در جنبش کمونیستی خود قادر به تسخیر سنگر غیر قابل شکستی نشد، چیزی که امروز خطر پیش پای کارگر مصری است. طبقه کارگر ایران اگر بعد از شکست خود در انقلاب سه دهه قبل پشت دست خود را داغ کرده تا دنبال نیروهای اپوزیسیون بورژوازی صف نکشد، امروز باید به وضوح ببیند که دنباله روی نکردن صرف از این و آن کافی نیست. عدم همراهی با ارتجاع سبز و سیاه به تنهایی دیگر پاسخ نیست، ایجاد سنگری برای پیشروی بیشتر به همان اندازه نان شب لازم است. سنگ بنای این کار هم البته از سازماندهی اولین حرکت به سوی حزب شروع میشود. و اولین آغاز این کار از اولین تقلاها برای ایجاد کمیته های متشکل از رهبران و سازماندهان و آژیتاتورهای کمونیست طبقه کارگر میگردد، کمیته کمونیستی کارخانه و محله!



جنایت روستای الکوزای اما بی تردید نه از سر مغز معیوب او، که از سر حس افراطی "وظیفه شناسی" او صورت گرفته است. واقعیت این است که او و همراهانش در مرکز نظامی مربوطه برای جنایت علیه مردم بیگناه، و به عنوان مزدور یکی از جنایتکارترین حکومت‌های تاریخ بشر، تربیت شده و شستشوی مغزی داده شده اند. در مرام این نهاد، جنایت و کشتار مردم بیگناه، عنوان "قهرمانی"، افتخار دفاع از دولت "پرافتخار" آمریکا و "مبارزه با تروریسم" میگیرد. و صدها و صدها جانی به این خاطر مدال بر سینه زده و بعنوان قهرمان تشویق شده اند. بی ارزشی جان و زندگی دیگران، اسیر و کودک و سالمند و بیمار، دیگرانی که فرماندهان و دول محترمشان در ناتو و وزارت خانه های دفاع تصمیم گرفته اند آنها را دشمن خطاب کنند، در مخیله سربازانشان کاشته شده است. عملیات انتحاری مثنی مستاصل و عاصی که همراه خود دیگران را منفجر میکنند، تروریستی خوانده میشوند، در حالیکه جنایات میلیونی این "فرشتگان نجات" که با اتکا به قدرت نظامی و برتری که به زور تحمیل کرده اند صورت میگیرد، حفظ امنیت جامعه جهانی خوانده میشود. عملیات نظامی وحشیانه این تروریست ها که در کمال خونسردی و بدون به خطر انداختن جان خود صورت میگیرد، و زندگی و هستی مردم بیگناه، از عراق تا افغانستان، از ناکازاکی تا غزه، را چون "حشره" زیر لگد میلیتاریسم شان له میکنند، وسیله صلح و امنیت می نامند.

تاریخ جنایات نیروهای مسلح دولتهای امپریالیستی و در اس آنها نیروهای آمریکا، "غنی" است! کشتار مردم غیر نظامی، سر بریدن، نشانه گرفتن مردم بیگناه از هوا و زمین با دوربین های مجهز، شلیک به کودکان و غیر نظامیان در لشکر کشیهای آنها، وسیله تفریح، سرگرمی و بازی مزدوران مسلح آنها است. مردم به یاد دارند که در سال ۲۰۰۵ در شهر حدیثه عراق سربازان آمریکائی ۲۴ نفر غیر نظامی را با ضرب گلوله از پای

در آوردند، و هنگامی که مردم جهان از این جنایت مطلع شدند، ۸ نفر را به عنوان مجرم بازداشت کردند. و پس از مدتی ۷ نفر از متهمین تیرئه و هشتمین نفر تنها به ۹۰ روز زندان محکوم شد. هنوز داستان کشتار خانواده ای در محمودیه عراق در سال ۲۰۰۶ توسط ۵ سرباز آمریکائی و تجاوز جمعی آنها به دختر ۱۴ ساله و سرانجام کشتن او، از خاطره ها نرفته است. این موارد تنها قطره هایی از اقیانوس جنایات نیروهای پنتاگون در عراق و افغانستان است. کشتار ۸۰۰ هزار نفر در حمله نظامی به عراق و برجای گذاشتن بیش از ۶۰۰ هزار نفر زخمی و معلول، نابودی و تخریب کامل هر آثار تمدنی در آن کشور، که با نقشه چند ساله و در میان تبلیغات کر کننده میدیای نوکرشان صورت گرفت، کار کدام سرباز مریض و روانی بود؟ کشتار و تجاوز و بریدن دست و پای ۵۰۰ نفر زن و کودک ویتنامی در ۱۶ مارس ۱۹۶۸، کار کدام سرباز جانی و بیمار روانی بود؟ کشتار ۲۲۰ هزار نفر در هیروشیما و ناکازاکی با دو بمب اتم، کار "فردی" و خارج از موازین کدام سرباز دیوانه بود؟ آیا آزمایش میکروب سفلیس بر شهروندان گواتمالا هم کار عنصری بیمار بود؟ دولتی که برای تامین قلدری خود بر جهانیان، همه این جنایات را نقشه مند و در کمال خونسردی به اجرا میگذارد، قدرتی که هنگامی که به منطقه ای قدم میگذارد، برای دهها سال آثار جنایت و کشتار و تجاوز و توحش آن برجا است، طبعاً مجری سیاست هایش نمی تواند جانی و قاتل و آدمکش نباشد. اگر توحش نیروهای اسلامی، قلدری و کشتار مردم بیگناه توسط آنها، نام ترور و عملیات تروریستی میگیرد، وقیحانه و بیشرمانه جنایات نیروهای ناتو، به نام دفاع از "حقوق بشر"، نیروی "صلح"، دفاع از "دمکراسی"، دخالت "بشر دوستانه"، صورت میگیرد. و میدیای فاسد و نوکر نیز، با امکانات وسیع خود، سناریو این دسته از جنایتکاران، عملیات میلیتاریستی غرب را آرایش میکند، و اراجیف مربوط به دفاع از حقوق بشر آنها را به نام "حقیقت" و گزارشدهی "بیطرفانه" به خورد

مردم میدهد. اگر قرار باشد عامل فاجعه روستای "الکوزای" را محاکمه کرد، مقدمات باید مقامات بلند پایه دولت آمریکا را محاکمه کرد. آنها نه تنها عاملین اصلی این فاجعه، که عاملین نسل کشی، و قتل عام میلیونها مردم در آفریقا، آمریکای جنوبی، ویتنام، کره، عراق، افغانستان، فلسطین و دهها نقطه دیگر جهان اند. این فاجعه فی الحال میدانی از مقابله مخرب را در کشورهای مختلف باز کرده است و انواع جریانات قومی، ناسیونالیستی، مذهبی و جنایتکار را به میدان آورده است. جنایات ناتو، پنتاگون و اسرائیل است که امکان میدهد جریانات اسلامی در عراق پا بگیرند! و در فلسطین انواع دستجات مسلح و جنایتکار رشد کنند! و در افغانستان طالبان قدرتمند شود! بر بستر نفرت عمومی از اعمال وحشیانه این دولتها و کشتار مردم بی دفاع، در غیاب نیروهای رادیکال و متمدن، در غیاب اتحادیه ها و سازمانهای قوی کارگری، جریانات مذهبی و قومی و ارتجاعی، به نام مخالفت با دخالت دولتهای غربی، رشد میکنند. توحش عنان گسیخته نیروهای آمریکائی در عراق و افغانستان و نفرت عمومی از آنها، مردم محروم و بیگناه، مستاصل و متوهم را در موقعیتی قرار میدهد، که برای دفاع از خود، به هر جانور قومی، اسلامی و ضد آمریکائی پناه ببرند. در سایه جنایت دولتهای غربی، هر جریان تروریستی و هر دولت و دار دسته مسلحی، بر محنت و مرارت مردم سرمایه گذاری میکنند، رشد میکنند و مدنیت در جامعه را به مخاطره میاندازد. لنون پانه تا، وزیر امور خارجه آمریکا، تعهد کرده است که سرباز آمریکائی محاکمه شود. و برای ریختن آب سرد بر خشم مردم، احتمال داده است که به اشد مجازات برسد. تا کسی خواهان محاکمه جنایتکارانی چون بوش و بلر و پانه تا و همه سران و فرماندهان ارشد پنتاگون، همه روسای کاخ سفید که برنامه قتل و کشتار هزاران انسان را هر روز به بهانه ای صادر میکنند، نشود!

بدنبال قتل عام روستای "الکوزای"، کرزای و طالبان و انواع دستجات ارتجاعی، به نام مردم و مدافع آنها ظاهر شده اند. و بر محنت و

مشقات مردم، بر نفرت عمومی مردم بیگناه و بی پناه و مستاصل، سرمایه گذاری میکنند، تا به موقعیت خود در این کشور بهبود بخشند و حاکمیت پر از فساد و جنایت خود را ادامه دهند. جدال میان آنها و دولتهای غربی، دلجوئیهای مقامات مختلف دول غربی و فرماندهان و حکمرانان ناتو، سر سوزنی به منافع مردم در افغانستان مربوط نیست. همه آنها دارو دسته های مسلح و دولتها و نیروهای جنایتکاری هستند که بر محرومیت مردم ارتزاق میکنند.

حزب و نیروهای سیاسی ایرانی، جریانات پرو غرب، و تمام آنهایی که به دخالت غرب در ایران، امید بسته اند، همه آنهایی که بادبان کشتی سرگردان خود را به بمب های آمریکا و اسرائیل و... گره زده اند، از کنار این جنایت هولناک، بی اعتنا گذشته اند! سکوت و بی تفاوتی مطلق آنها، در مقابل جنایاتی که در کنار گوش آنها، اتفاق افتاده است، تصادفی نیست. حقیرانه نمیخواهند، با کشتار ۱۶ "افغان"، رابطه خود با غرب را خراب کنند! نمیخواهند از برکت دولتهای غربی بی بهره بمانند! چرا که خود چشم انتظار "عطوفت" دول غربی، دست به زانو نشسته اند.

در این میان خالی از اعتراض مترقی و انسانی، در غیاب حضور طبقه کارگری که نه تنها مشیت جنایتکاران و فریبکاران را باز میکند، که با حضور قدرتمندش در مقابل میلیتاریسم غرب و توحش دستجات ارتجاعی سد می بندد، جمهوری اسلامی با سی سال توحش و جنایت، بر بستر نفرت عمومی از کشتار مردم بیگناه، به عنوان "مدافع" آنها به میدان آمده است.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست
۲۵ اسفند ۱۳۹۰-۱۵ مارس ۲۰۱۲

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اطلاعیه پایانی کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری عراق

در روزهای ۲۴ و ۲۵ ام ماه فوریه با حضور اکثریت نمایندگان تشکیلاتهای حزب از شهرهای بصره، ناصریه، کوت، حله، نجف، تکریت، بغداد و کرکوک و همچنان نمایندگان تشکیلاتهای حزب در بریتانیا، کانادا، نروژ و سوئد به همراه هیئتی از حزب کمونیست کارگری کردستان، کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری عراق برگزار گردید.

کنگره پیش از شروع به کار خود، پروسه قانونی بودن نماینده گان حاضر در کنگره را به بحث گذاشت. در این راستا محمد عزیز مسئول انتخابات سراسری برای کنگره پنجم، درباره چگونگی پروسه تمام مراحل انتخابات گذارشی را تقدیم کنگره کرد. نمایندگان کنگره در این باره سوالات و ملاحظاتی داشتند که به روشنی پاسخ خود را دریافت کردند، بعداً اسم تمامی نمایندگان قرائت گردید که اکثر آنها در کنگره حاضر بودند، به این شیوه کنگره قانونی بودن پروسه انتخابات نمایندگان را تصویب نمود.

بعداً کنگره با سرود انترناسیونال و اعلام یک دقیقه سکوت به یاد رفقا، لیلا محمد و وسام یوسف و تمامی جانبختگان راه آزادی و برابری و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. به دنبال این رفیق سامان کریم سخنرانی افتتاحیه کنگره را تقدیم حضار کرد، که در بخشی از صحبت‌هایش به اهمیت کنگره اشاره کرد و گفت: این کنگره روپداد مهمی برای جنبش کمونیستی است، هدف ما این است که کنگره ای سطح بالا و پرمحتوی داشته باشیم و میخواهیم که به نقطه ای مهم در دگرگونی زندگی سیاسی حزب تبدیل شود، چون نیاز داریم که حزب را در جایگاه واقعی طبقاتی خود تثبیت کنیم و همچنین میخواهیم تحزب طبقاتی برای کمونیسم تبدیل به شناسه این کنگره حزب گردد. 7- قرارها کمونیسم در عراق به غیر از این راه، هیچ انتخاب دیگری در پیش رو ندارد و این تنها راهی است برای کمونیسمی که میخواهد پاسخگو باشد و راه چاره ای برای مشکلات، مسائل و موانع رشد و ترقی رهبریت و تمامی امورات کلان و ریز جنبش کارگری دست

نشان کند. بعداً طبق دستور کنگره در محل، هیئتی جهت پیش برد امورات کنگره انتخاب گردید، که عبارت بودند از سامان کریم، نادیه محمود، عمار شریف، و به دنبال آن عثمان حاجی مارف پیام حزب کمونیست کارگری کردستان را تقدیم کنگره کرد که در آن برگزاری کنگره را به تمامی اعضا و دوستان و طرفداران و نمایندگان حاضر در کنگره تبریک گفت و به اهمیت کنگره اشاره کرد و گفت این نه تنها در نبرد و مبارزه کمونیستهای کارگری عراق اهمیت دارد بلکه میتواند نقشی اساسی و بنیادی در مسئله به انتها رساندن رنج و محنتی داشته باشد که گریبان میلیونها کارگر و زحمتکش در عراق را گرفته است و مرزی برای آن مشکلاتی که توسط نیروهای بورژوایی بر جامعه عراق تحمیل شده است را تعیین کند و اکنون زمان آن رسیده است که این حزب وظیفه رهبری کردن جنبش انقلابی کارگران مردم آزادخواه را در این اوضاع انقلابی که در منطقه وجود را به گردن بگیرد و به این طریق راه را در برابر رشد جنبش کمونیستی بازتر کند.

به دنبال این، کنگره از طریق آرا دستورات زیر را به تصویب رساند:

- 1- گزارش مرکزی حزب.
- 2- اوضاع سیاسی و خطوط اصلی استراتژی حزب در عراق.
- 3- جنبش کارگری و سیاستهای حزب کمونیست کارگری.
- 4- گزارش در باره آن تغییراتی که باید در برنامه (دنیای بهتر) ایجاد گردد.
- 5- قرار در باره محکوم کردن فدرالیسم
- 6- قرار در باره (نیاز فوری ما به درست کردن تشکیلات)
- 7- قرارها
- 8- سمیناری در باره (جنبش کارگری)
- 9- انتخابات

سامان کریم گزارش کمیته مرکزی را تقدیم کرد که در آن به تمامی فعالیتها در عرصه های مختلف سیاسی، تشکیلاتی و اجتماعی اشاره کرد و روشن نمود که سستی و ضعف ما در گذشته در عرصه متشکل کردن طبقاتی پیشروان و رهبران درون طبقه کارگر و قدرتمند کردن سنتها و شیوه های کار کمونیستی بوده است و این سرانجام بر دیگر میادین کار و فعالیت حزبی و شیوه رهبری حزبی و تشکیلاتی تأثیر گذاشته است. به دنبال تمام شدن گزارش از جانب سامان کریم، رفقای مسئول در عرصه های مختلف کار حزبی، گزارش خود را تقدیم کنگره کردند. رفقای نماینده کنگره در بحث این گزارش شرکت کردند و در باره کار و فعالیتهای گوناگون در عرصه جنبش توده ای، زنان، جوانان، نشریات حزب، عرصه سازماندهی کمیته های حزبی و تشکیلات خارج کشور و چند عرصه دیگر مبارزه سیاسی بحث کردند.

رفقا مؤید احمد و سامان کریم بحث در باره قطعنامه (وضعیت سیاسی و رنوس اصلی استراتژی حزب در عراق) را تقدیم کردند، رفیق مؤید احمد تأکید کرد که مسئله پایان دادن به حکومت بورژوازی اسلامی - ناسونالیست اولین قدم است در راستای پیروز شدن انقلاب اجتماعی برای کارگران در عراق و همچنین به وضعیت انقلابی در کشورهای عربی اشاره کرد که در آنجا چگونه این حقیقت به اثبات رسید که تغییر ریشه ای و همه جانبه در زندگی طبقه کارگر و توده زحمتکش در گرو پیروزی انقلاب کارگری است. و توضیح داد که قطعنامه رنوس اصلی استراتژی حزب اهمیت و توجه ویژه خود را تنها به تسلیح حزب با یک افق انقلابی متمرکز نمیکند بلکه شیوه کار و نبرد حزب در این وضعیت انقلابی ای که حالا در منطقه وجود دارد و همچنین مسئله بدست آوردن هر گونه رفم اقتصادی و سیاسی و اجتماعی که در جامعه صورت خواهد گرفت را دربر میگیرد.

در ادامه این بحث رفیق سامان کریم به افشای راه و روشهای سیاسی ای که نیروها و جنبشهای بورژوایی عراق در بر گرفته اند پرداخت و به چگونگی جا و مکان کنونی آنها اشاره کرد و موقعیت طبقه کارگر در عرصه جامعه در چه وضعیتی است را، توضیح داد و گفت: اسلام سیاسی به رهبری "دولت قانون"، دست به کار پروسه به کنار زدن گرایش ناسیونالیست عربی به رهبری لیست العراقیه زده است، طوری که اسلام سیاسی با رهبری ائتلاف دولت قانون و از راه قرق کردن و بدست گرفتن قدرت سیاسی در عراق، تلاش میکند مسئله حاکمیت در عراق را به نفع خود یکسره کند. در همین بحث سامان کریم به جایگاه و نقش طبقه کارگر و مردم ناراضی در پایان دادن به حاکمیت اسلام قومی که هم اکنون در عراق حاکم است اشاره کرد. به دنبال، شرکت کننده گان در کنگره لایه های مختلف این قطعنامه را مورد بحث قرار دادند و سامان کریم و مؤید احمد به سوالات نمایندگان و میهمانان پاسخ دادند و کنگره کمیته مرکزی را موظف کرد که این قطعنامه را با در نظر گرفتن ملاحظاتی نمایندگان آماده کرده و به اسم کنگره انتشار دهند. در بخش (جنبش کارگری و سیاست حزب) رفقا سمیر عادل و فارس محمود این بحث را تقدیم کردند، فارس محمود به وضعیت سخت طبقه کارگر در موقعیت کنونی اشاره کرد و تأکید دوباره کرد که کارگران در زیر سایه یک وضعیت دشوار قرار دارند اما با این وصف مبارزه و نارضایتی آنان روز به روز در حال وسعت یافتن است و همچنین به رنوس عمومی سیاست حزب در درون جنبش کارگری اشاره کرد که باید در مسئله قدرتمند کردن و گسترش دادن به مبارزه اقتصادی و آگاهی سیاسی نیرومند طبقه کارگر و در عرصه اجتماعی جهت پایان دادن به این وضعیت سخت و یکسره کردن آن به نفع انقلاب اجتماعی طبقه کارگر نقش مستقیم ایفا کند. در ادامه فارس محمود به نقاط ضعف و قدرت طبقه کارگر اشاره کرد و چگونگی مسلح کردن رهبران و فعالین کمونیست و کارگری در راستای افق سوسیالیستی و سیاست حزبی، در پیوند با سازماندهی کارگران و رشد دادن به هوشیاری فکری و سیاسی و عملی آنها را روشن نمود. هم زمان بحث چگونگی تبدیل کردن حزب کمونیست کارگری را به

حزب رهبران و مبارزین کمونیست و سازمان دهندگان صف طبقه کارگر و قدرتمند کردن سازمان های موجود حزبی در عرصه جنبش و مبارزه روزمره کارگری را ارائه داد.

سمیر عادل در این مورد بحث را با اشاره به حضور حزب در درون طبقه کارگر شروع کرد و گفت هرچند این پیوند زیاد قدرتمند نیست ولی آماده بودن دهها شخصیت از رهبران و فعالین کارگری در این کنگره و شرکت کردن حزب در رهبری کردن و سازماندهی دهها اعتراض کارگری سندی است برای درستی این ادعا. و همچنین سمیر عادل در باره قرارهای ضد کارگری ای بحث کرد که در اوایل حکومت پل برمر صادر گردیدند و گفت: سازمانیابی کارگران بیکار در یک جنبش وسیع و گسترده و بعدها رسیدن به هدف تحمیل خواستها و مطالباتشان بر سر سیستم حاکم، تنها ضمانت حقیقی و واقعی است در برابر سیاستهای متمایز نمودن شاخه(یا بخش) اقتصادی و همچنین رواج دادن به جنبش بیکاران و ارتقاء توانایی های آنان به نیرویی که بتواند از جامعه در برابر هر نوع جنگ طایفه ای و مذهبی و قومی پاسداری کند. در رابطه با سیاست حزب، سمیر عادل شرح داد که وظیفه حزب عبارت است از قدرتمند کردن گرایش سوسیالیستی در درون صفوف طبقه کارگر و به این ترتیب حزب و طبقه کارگر میتوانند در معادلات سیاسی در عراق تأثیر گذار باشند.

به دنبال گفتگو و بحثهایی جدی در باره این قطعنامه، فارس محمود به سوالات و ملاحظات حضار پاسخ داد. کنگره به چهارچوب عمومی این قطعنامه رای مثبت داد و مقرر کرد که این قطعنامه با در نظر گرفتن ملاحظات و توجه نمایندگان تغییراتی در آن حاصل گردد. در ادامه رفیق ریپوار احمد بحث (گزارش در راستای آن تغییراتی که باید در برنامه (یک دنیای بهتر) ایجاد گردد را تقدیم کنگره کرد. در این بحث ریپوار احمد آن بخشهایی را که به دلیل تغییر وضعیت سیاسی در عراق و به دنبال سرنگونی رژیم ناسیونالیستی بعث، نیاز است که تغییراتی در آنها حاصل گردد. از قبیل مسئله قدرت سیاسی کنونی

عراق، مسئله کرد، و همچنین بخشهایی که مربوط به ارتش و میلشیا است، مسئله خانواده و ازدواج، مسئله فساد مالی و اداری، تقسیمات طایفه ای، تغییرات جهانی که در موارد جداگانه درزیستگاه و تکنولوژی ارتباطات و در موارد عیده دیگر به چشم میآید. ریپوار احمد پاسخ ملاحظیات را داد و تشریح کرد که هدف از آوردن این گزارش این است که کنگره از تغییرات با خبر گردد و بعداً این گزارش به کمیته مرکزی روانه گردد و هیئتی خاص تشکیل گردد برای تحقیق در باره آنها و تصویب آنها در پلنوم ۲۷ کمیته مرکزی.

به دلیل کمبود وقت کنگره تصمیم گرفت که بحث و تصویب قطعنامه" در باره محکوم کردن فدرالیسم " به کمیته مرکزی محول گردد.

در باره قرار (نیاز فوری ما به ایجاد سازماندهی) رشید اسماعیل فرصت سازماندهی حزب و اهمیت این فرصت را در زندگی سیاسی و اجتماعی حزب و ترویج آن روشن کرد. و اهمیت نقش اعضای حزب را در کارخانه ها و محلات و در شهرها را مورد بحث قرار داد. به دنبال گفتوگویی جدی از جانب حضار در باره این قطعنامه باسل مهدی یکی از کسانی که در آماده کردن این قطعنامه سهیم بود، پاسخ سوالات حضار را داد. کنگره تصمیم گرفت که این قطعنامه جهت بحث و تصویب آن به کمیته مرکزی محول گردد.

در زمان تعیین شده برای قرارها، چندین قرار سیاسی و سازمانی تقدیم کنگره گردید که در میان آنها قراری تحت نام (پیشگیری کردن از خواسته های کارگران در عراق) که کنگره آن را تصویب کرد و همچنین قرارهای (پشتیبانی از جنبش کارگری - سوسیالیستی مصر) و (پشتیبانی از وجود سازمان برای کارگران در کردستان عراق) و (بر علیه بازجویی از رهبران کارگری در بخش نفت در عراق) و چند قرار دیگر تکمیلی برنامه داخلی حزب که تصویب گردیدند. بعداً فلاح علوان سیمیناری در باره (جنبش کارگری) تقدیم کرد و به کم و کسری های و موانعی که مانع رشد گرایش رادیکال کارگری در میان جنبش کارگری هستند اشاره

کرد و همچنین بر ضرورت تشکیل و تثبیت خطی کارگری و رادیکال در مقیاس جهانی تأکید کرد. هدف ابن امر (یا خط) رویارویی با گرایش هایی اصلی است که بر جنبش سندیکالیستی سایه افکنده و اتوریته دارند در بخش انتخابات، کنگره این قرار که اعضای کمیته مرکزی 24 نفر باشد که در این میان 21 نفر اعضای اصلی و 3 نفر علی البدل باشند را تصویب کرد. نتیجه انتخابات به قرار زیر شد.

کامل احمد، احمد عبدالستار، رفقا محمد عزیز، فارس محمود، باسیل مهدی، عبدالکریم عبدالساده، رمضان صابر، سامی حسن، نادیه محمود، رشید اسماعیل، عواد احمد، خلیل ابراهیم، رشید اسماعیل، مؤید احمد، سامان کریم، سمیر عادل، عثمان حاجی مارف، رعد سلیم، نادیه محمود، ریپوار احمد، فارس محمود، سائر سلیم، محمد عزیز، عمار شریف، آزاد احمد اعضای اصلی کمیته مرکزی و فلاح علوان، عامل رسول و یمنار محمد اعضای علی البدل کمیته مرکزی انتخاب گردیدند.

با سخنرانی اختتامیه سامان کریم که در آن به این حقایق تأکید کرد که مسئله متحقق کردن و عملی کردن آن وظایف که در این دو روز بحث و گفتگو های فراوانی در باره آنها کرده ایم به توانایی ما ربط دارد و اندازه توانایی ما هم به متحقق کردن این قرارها در نبرد طبقاتی گره داده شده است. و همچنین آرزو کرد که این کنگره سرآغازی باشد برای این شروع تازه. کنگره پنجم با موفقیت کارهایش را به سرانجام رساند و با سرود انترناسیونال به کار خود

حزب کمونیست کارگری عراق
28.2.2012

تلویزیون پرتو، برنامه ای از
حزب حکمتیست، بزودی
روی ماهواره مات برد شروع
به کار خواهد کرد.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید
کمونیست را بدست کارگران برسانید
کمونیست را تکثیر و توزیع کنید
به کمونیست کمک مالی کنید

همگامی

زنده باد سوسیالیسم